

## معیارهای سیاست دینی از منظر آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

سید فریدالدین شهابی<sup>۱</sup>، بهرام منتظری<sup>۲</sup>، سید حسن ملائکه<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

### چکیده:

سیاست دینی از آن دسته جستارهایی بوده که از دیرباز به ویژه در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه، برخی معتقدند سیاست برای قرار گرفتن در گذرگاه راستین باید از آموزه‌های دینی پیروی کند. در این نوشتار برآنیم تا معیارهای سیاست دینی را از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد بررسی قرار دهیم. پرسش بنیادین رساله: از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سیاست دینی دارای چه معیارهایی می‌باشد. چنین به نظر می‌رسد که سیاست برای گام نهادن در راه درست باید از آموزه‌های دینی چون دادگری، قانون مداری، آزادی و گزینش مردمی پیروی کند. ما همچنین سیاست دینی را در پارچوب بنیادهای هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و انسان‌شناسی مورد بررسی قرار داده و بدینگونه، معیارهای سیاست دینی را به خوبی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا بهره برده تا با واکاوی درونمایه اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در زمینه سیاست دینی، معیارهای آن را به خوبی مورد بررسی دهیم. تحلیل محتوا یک پژوهش مشاهده‌ای و پژوهش تاریخی اسنادی به شمار آمده و از دید چپستی، پژوهشی کمی محسوب می‌شود. در روند پژوهش، به این نکته می‌رسیم که اگر ساز و کارهای نهاد سیاست با آموزه‌های دینی همسو شد، جامعه‌ای دلخواه در راستای آرمانهای الهی پدید می‌آید و همچنین زمینه رشد و شکوفایی در همه زمینه‌ها نیز فراهم می‌شود. مردم چنین جامعه‌ای نیز به آرمانهای خود دست پیدا کرده و به رشد و شکوفایی راستین می‌رسند.

**واژگان اصلی:** دین، سیاست دینی، سکولار، مردم‌سالاری دینی، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی).

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)

bmontazeri12@yahoo.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

## مقدمه

فرمانروایی، یک نظام ارزشمند بوده که یک کشور یا یک جامعه بر پایه آن سرپرستی می‌شود. گونه حکومت که جامعه بر پایه آن سرپرستی شده، به نظام‌نظام‌های سیاسی گوناگون و ابزارهای به کار رفته، بستگی دارد. همگان وجود فرمانروایی را امری لازم دانسته و آیین‌های آسمانی به‌ویژه دین اسلام نیز، نیاز بنیادین بشر به حکومت را مورد پذیرش قرار داده‌اند. اسلام، فرمانروایی دینی را بهترین نوع از فرمانروایی دانسته که در آن، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری‌ها بر پایه آموزه‌های دینی پی‌ریزی می‌شوند.

اندیشمندان مسلمان درباره پیوند «دین» و «سیاست» و ارزش و جایگاه نهاد دین در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی سخن گفته‌اند. گروه نخست، بر این باور هستند که هیچ‌گونه پیوندی میان دین و سیاست برقرار نیست. آن‌ها، دین و سیاست را با یکدیگر ناسازگار دانسته‌اند و از سیاست دوری جسته‌اند تا جایی که آگاهی از سیاست را نیز نکوهیده نامیدند. همچنین بر این باور هستند که نهاد دین، یک امر شخصی به شمار آمده و هیچ‌گونه پیوندی با گستره سیاست ندارد. گروه دوم، تلاش در زمینه‌های سیاسی و پیروزی از آرمان‌های سیاسی را جزء جدایی‌ناپذیر زندگی خود می‌دانند. همچنین، سیاست را نسبت به جستارهای دینی برتری داده و دین را با هر سیاستی همسو کرده‌اند. این دسته تنها به دنبال سود شخصی خود می‌باشند. آن‌ها برای دستیابی به آرزوهای سیاسی خود، نه تنها دستورهای دینی را اجرا نکرده، بلکه به نهاد دین آسیب می‌رسانند.

گروه سوم، کوتاهی گروه نخست و تندروی گروه دوم را نمی‌پذیرند. از دید آنان، دین از سیاست جدا نبوده و همچنین دین را با هر سیاستی، برابر نمی‌دانند. ایشان سیاست را به دو گونه خدایی و اهریمنی بخش‌بندی کرده و بخشی را ناسازگار با راستینگی دین و بخشی را هماهنگ با آن معرفی می‌کنند. به باور آن‌ها، راه‌یابی به جستارهای سیاسی با دین‌داری ناسازگار نبوده و تنها به شیوه و ابزار سیاستمدار بستگی دارد.

سیاست دینی یعنی سیاستی که بر پایه دین بوده که همانا سیاست انبیاء و اولیاء الهی است. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دارای اندیشه سیاسی مبتنی بر دین بوده و در تعریف ایشان، سیاست در درون دین قرار دارد؛ در الگوی ایشان دین زایشگاه سیاست بوده و این گونه سیاست را الهی و انقلاب آن را «قیام‌الله» می‌گوییم. شاخصه چنین سیاستی، آمیختگی آن با اخلاق است. شاخصه حکومت دین‌داران، درخشان شدن اخلاق در مرام و منش آنان است. سیاست دینی به معنای هماهنگی همه‌چیز با اصول و اخلاق اسلامی است. در سیاست دینی، سیاستمداران بر پایه

آموزه‌های دینی، به فرمانروایی پرداخته و برای جامعه قانون‌گذاری می‌کنند. دین‌داران واقعی، دین را برای آرمان‌های پیش‌پا افتاده و زودگذر خود، تباه نکرده و با این کار، دنیا و آخرت خود را از بین نمی‌برند. تحقیقاتی درباره دین و سیاست انجام گرفته و ارتباط این دو مقوله با یکدیگر به خوبی در پژوهش‌های مختلف نمود پیدا کرده و همین‌طور در زمینه موضوع جدایی دین از سیاست نیز تحقیقاتی انجام پذیرفته و به طور مفصل به آن پرداخته شده است اما در زمینه سیاست دینی و معیارها و مبانی آن، تحقیق‌هایی مفصل انجام پذیرفته است. هدف از پرداختن به این موضوع آن است که به عمق اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در این زمینه پی برده و به این نکته مهم دست پیدا کنیم که دین از اصول اساسی و اولیه اندیشه‌های ایشان به حساب می‌آید و همه مباحث با این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین این پژوهش می‌خواهد به این نکته اشاره داشته باشد که سیاست دینی مبنای شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و رمز استمرار آن بوده است. از دیگر اهداف این پژوهش پرداختن به این موضوع می‌باشد که در سیاست دینی، دین اعم به حساب آمده و سیاست جزئی آن می‌باشد؛ بنابراین در این زمینه، سیاست باید از دین تبعیت کرده و در راستای آن گام بردارد.

### روش شناسی

یکی از متداول‌ترین طبقه‌بندی روش‌های پژوهش، طبقه‌بندی بر پایه داده‌های پژوهش است. بر این اساس، پژوهش‌ها به دو گروه «کمی» و «کیفی» دسته‌بندی می‌شود. روش «کمی» دارای ویژگی‌هایی از جمله روش آزمایشی، روش پیمایشی، تحلیل محتوا و تحلیل داده‌ای است و روش «کیفی» نیز ویژگی‌هایی مثل مطالعه میدانی، مطالعه موردی، تحلیل گفتمان و اسنادی و کتابخانه‌ای را شامل می‌شود. (موسوی نسب کرمانی، ۱۳۸۴: ۲).

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود تا با تحلیل محتوای اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در زمینه سیاست دینی، معیارهای آن مورد ارزیابی قرار بگیرد. تحلیل محتوا به روشی گفته شده که پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های گوینده پیام، علل مطرح شدن پیام و آثار آن را به منظور بررسی و واکاوی عینی و نظام‌مند بکار می‌گیرد (عزتی، ۱۳۷۷: ۲۳۰).

تحلیل محتوا دارای سه ویژگی «عینیت»، «کمیت» و «سامانمند بودن» می‌باشد. عینیت بر این نکته پافشاری کرده که پژوهش بر پایه هنجارها، دستورها و روش‌های شناخته شده، انجام می‌گیرد. «سامانمند بودن» نیز به این نکته اشاره داشته که پژوهش افزون بر هماهنگ و آراسته بودن، بر مبنای

فراگیری هنجارهای کاربردی پابرجا استوار شده است. در این روش، پژوهشگر پیوندی مستقیم با پیامها داشته و تنها به دنبال فرآورده‌های رسانی همچون روزنامه‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها، عکس‌ها، سخنرانی‌ها و ... می‌رود و از این رو، در پیوند با فرستنده پیام و انسان‌ها نیست؛ این ویژگی، این روش را از سایر روش‌ها برجسته و جدا ساخته زیرا با مردم سر و کار ندارد (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۹۰).

## مفاهیم

### دین

«دین مجموعه معارف مربوط به مبدأ، معاد و مانند آن و قوانین فردی یا اجتماعی بوده که از طریق وحی و نبوت به دست می‌آید.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۴). دین مجموعه وجودها و بایدها بوده که وجودها به تکوین و بایدها به تشریح تعبیر می‌شود. در اندیشه توحیدی باید تشریح الهی (بایدها) برابر با تکوین (هست‌ها) باشد و آن‌ها چیزی جز دانش ایزدی نیستند. ما قادر به تعیین مرزی میان گفتار معصومین نیستیم و برخی را جزء دین و برخی دیگر را بیرون از آن بدانیم. در بینش توحیدی، انسان نیازمند به دین بوده و از آن گریزی ندارد.

بر پایه این دیدگاه، حق تعیین همه این‌ها تنها ویژه پروردگار بوده و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز می‌گویند: تعیین این آداب و هنجارها نیازمند دانش و آگاهی بوده و تنها خدای یگانه، حق این کار را دارد. خدا آفریننده نظام هستی بوده و نسبت به همه چیز آگاهی دارد؛ بنابراین، تنها او توانسته شیوه زندگی را طرح‌ریزی کند و سرنوشت، نظام نظام‌قانونی زندگی و اجتماعی انسان را ساماندهی نماید (خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۵۶: ۶۳).

تعریف اندیشمندان غرب: ۱- تعاریف هنجاری و ارزشی: شلایر ماخر، دیانت را موضوع تجربه معرفی کرده و احساس وابستگی مطلق و احساس تنهایی در برابر نامتناهی را، عنصر مشترک همه ادیان می‌داند (جعفری تبریزی، ۱۳۹۷: ۸۰).

۲- تعاریف ماهوی و توصیفی: دین چه ماهیتی دارد؟ هربرت اسپنسر می‌گوید: دین اعتراف به این حقیقت است که همه باشندگان، از نیرویی شگرف تأثیر پذیرفته که از دانش ما بیرون است (هیک، ۱۳۷۲: ۱۵).

۳- تعاریف کارکردگرایانه: براولی می‌گوید: دین بیش از هر چیزی کوششی است برای آنکه حقیقت کامل خیر را در تمام وجود و هستی‌مان بازنماییم (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

## سیاست

دانش واژه «سیاست» از واژه یونانی به معنای شهر<sup>۱</sup> گرفته شده است. ولی در معنای امروزی، به مسائل رایج حکومت و جامعه گفته شده که عمدتاً ماهیتی سیاسی و اقتصادی دارد. «سیاست» از جمله حقایق اجتناب‌ناپذیر زندگی بشر محسوب شده و انسان‌ها هر لحظه با مسائل سیاسی درگیر می‌باشند (عالم، ۱۳۷۳: ۲۳). غرب نگاهی مادی به سیاست داشته ولی اسلام، با نگاهی مینوی به سیاست می‌نگرد. سقراط، سیاست را همانا دستیابی انسان به سعادت از گذرگاه فضیلت معرفی می‌کند. ارسطو سیاست را بدین گونه بیان می‌کند: «آن چیزی که باعث سعادت انسان و ایجاد میانه‌روی شده، سیاست نام می‌گیرد.» اندیشمندانی چون لیتره، نگاهی دولت‌محوری به سیاست داشته‌اند: او سیاست را علم فرمانروایی دولت‌ها می‌داند. منظور از دولت، جامعه انسانی بوده که به آن، «کشور» یا «ملت» نیز گفته می‌شود و از عناصری چون سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت شکل گرفته است (علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۹: ۹۳).

قرآن کریم، سیاست را به معنای بهره‌مندی از همه ابزارهای گیتایی و مینوی برای چاره‌اندیشی خردمندانه کارهای مردم در راستای پاسداری از منابع انسانی و غیرانسانی دانسته و آرمان آن، به حقیقت پیوستن نیکبختی و فراهم آوردن آرمان‌های والای انسان است. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، سیاست را جلب رضای خدا، رسیدن به سعادت جاویدان و دستیابی به حیات طیبه اسلامی می‌داند. در رویکرد اسلامی، سیاست و جامعه‌ای مورد نظر بوده که در وی معنویت، دادگری و عزت باشد. ایشان در بسیاری از موارد، چاره‌اندیشی را همراه با آینده‌نگری، پایداری و نوآوری در کردار، خرد، آگاهی و پاداش ایزدی مطرح کرده و بی‌پرده می‌گویند: در نظام اسلامی، علم، دین و دادگری حاکم بوده و این نظام با سایر جوامع ناهمگون است. شخص یا دستگاهی که سرپرستی امور مردم را بر عهده داشته، بایستی بر مبنای دادگری و رحمت ایزدی رفتار کند (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۵۷).

ایشان بر این باور بوده: به جهت‌گیری جامعه، کسانی که بدون پرده درباره این جهت‌گیری‌ها صحبت کرده و حتی به رویاروی با آن می‌پردازند، سیاست جامعه گفته می‌شود. مؤلفه‌های سیاسی، بر پایه این تعریف بدین گونه است:

۱- جهت‌گیری جامعه یعنی دورنمای پایانی که همگی یک جامعه را هدف قرار داده است.

۲- بنا بر سخنان ایشان، افراد برگزیده به بیان این جهت‌گیری‌ها می‌پردازند. ۳- راه و روش‌هایی که ذیل جهت‌گیری کلی تعیین می‌شود. ۴- بازیگرانی که برای تعیین راه و روش‌ها و جهت‌گیری‌ها کوشش می‌کنند. ۵- نوعی از رویارویی و شناخت آن، مبنا قرار دادن راستینگی در گستره پژوهش‌های سیاسی مؤلفه نخست است.

## دین و سیاست

در چارچوب بخردانه، پیوند میان دین و سیاست به چهار دسته همبستگی همه‌جانبه، بیزاری و ستیز همه‌جانبه، همکاری، جدایی و ناهمگنی بخش‌بندی می‌شود. اگرچه این چارچوب به این معنی نبوده که این چهار حالت، زیرشاخه‌های دیگری ندارد. ۱- در بخش همکاری، گاهی چیرگی با نهاد سیاست بوده و گاهی نیز این همکاری به سود نهاد دین است. ۲- جدایی میان دین و دولت نیز به ریخت‌های گوناگون پدیدار می‌شود: الف- گاهی دوری و ناسازگاری در درون فرد به وجود آمده و بدین گونه، نگرشی دوگانه را پدیدار می‌سازد. ب- چنانچه این ناهمگنی به ساختارهای اجتماعی راه یابد، نهادهای اجتماعی گوناگونی را به وجود می‌آورد پ- اگر این جدایی در پیوند با توانمندی‌های اجتماعی باشد، دو گونه «پیروی و فرمان‌برداری» و دو گونه «وفاداری» پدیدار خواهد شد. اکنون، پیوند میان دین و سیاست از دیدگاه اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### ۱- سیاسی بودن اسلام

آیین ترسایی به جدایی دین و سیاست ملتزم بوده و اسلام به آمیختگی آن‌ها باور دارد. آمیختگی دین و سیاست در اسلام، همان «سیاسی بودن اسلام» است. در آیین ترسایی، جداسازی امور لاهوتی از ناسوتی، یک «وفاداری و پایبندی دوگانه» در مؤمن ترسایی به وجود آورده ولی آمیختگی در اسلام، «وفاداری مدنی» را به «سرسپردگی دینی» دگرگون کرده است و رویگردانی از آن، همچون سرپیچی از دستور خدا است.

### ۲- فرمانروایان مشروع

«سیاست دینی» دو رویکرد ناهمسان را در میان مسلمانان به وجود آورده است. از یک سو به انفعال سیاسی کارگزاران و از سوی دیگر، به «کنشگری» سیاسی آنان انجامیده است. این دو رویکرد در تاریخ اسلام، دلیل به وجود آمدن دو گرایش دینی سراسر ناهمسو شد. رویکرد انفعالی بر این باور بوده که فرمانروا برای دستیابی به مشروعیت دینی، شرایطی ویژه نمی‌خواهد و هر فرمانروای توانا را که توانسته از یکی از راه‌های «هم‌رأیی»، «جان‌شینی» «شورا» و «چیرگی» به قدرت

برسد، فرمانروای قانونی می‌شناسد. در نوشتارهای دینی هیچ برهانی برای خرده‌گیری به چنین فرمانروا و سیاستی وجود ندارد. رویکرد کنش‌گرا بر این باور بوده که کارگزاران باید در برابر رخدادهای سیاسی پیرامون خود، پاسخگو باشند. آنان توانسته در برابر فرمانروای غیرقانونی ایستادگی کنند و آشکارا با او به رویارویی بپردازند. این رویکرد، در برابر «چگونگی به‌کارگیری فرمانروا»، «ویژگی‌های فرمانروای قانونی» و «شیوه انجام فرمانروایی» سخت‌گیر است. اگرچه تاریخ اسلام، گواه برهه‌هایی بوده که هر دو رویکرد «سکوت‌گرا» و «کنش‌گرا» به بیراهه رفته و روشی دیگر را در پیش گرفته‌اند.

### ۳- دین «سیاسی» و سیاست «دینی»

«دین سیاسی» یا فرزند به‌هنگار آن «سیاست دینی»، همواره در تلاش بوده تا به درگیری‌های سیاسی رنگ و بوی دینی - فرقه‌ای ببخشد؛ بدین گونه، از یک‌سو بر ارزش «دین‌یاری» دولت‌ش افزوده و از سوی دیگر، پشتوانه پیروان دینی خود را در برابر دشمنان سیاسی به دست می‌آورد. با این شیوه، دشمنان سیاسی را به انزوا کشانده و رفتار آنان را گستاخانه می‌داند و برچسب خداناباور و گمراه به آن‌ها می‌زند. به خرده‌گیری‌های سیاسی، رنگ و بوی سیاسی داده‌شده زیرا با این کار، مبارزه از ارزشمندی بیشتر برخوردار گشته و در پایان نیز، هواخواهان از خود جان‌فشانی شایسته‌تری نشان خواهند داد.

سیاست در اسلام، با آنکه گفته‌شده از وحی الهی (قرآن) و الگوهای کاربردی آن (دوره پیامبر و زمان خلفای راشدین) الهام گرفته است. در گذرگاهی گام نهاده که آن پاکی نخستین خود را از دست داد. اسلام، از فرمانروای‌هایی فرهنگ‌های گذشته تأثیر پذیرفته و ساختارهایی گوناگون هماهنگ با آیین‌ها و آموزه‌های همان سرزمین، پیدا کرد. برنارد لوئیس می‌گوید: اسلام برای فرمانروایی (جز در زمان صدر اسلام و زمان خلفای راشدین)، از فرهنگ‌های سیاسی بیگانه الهام گرفته است. در زمان بنی امیه، از فرهنگ سیاسی رومی‌ها، در زمان بنی عباس از دوات‌داری ایرانیان، در روزگار مغولی و ایلخانی از فرهنگ ایرانی و مغولی و همچنین در یک یا دو سده گذشته، از فرمانروایی اروپایی الهام گرفته است. توانایی سیاسی اسلام، همگی از دل قرآن بیرون نیامده، بلکه از دیگر آیین‌ها و فرهنگ‌ها همچون خودکامگی بیزانسی، ایرانی و ترکی الهام گرفته است (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

## بنیادهای اندیشه‌ای

### الف: هستی‌شناسی

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بر این باور بوده که جهان هستی به دست آدم خاکی پدید نیامده، بلکه این نظام شگفت‌انگیز را یک اندیشه و نیروی بزرگ به وجود آورده است؛ بنابراین یکتاپرستی ستون بنیادین بینش اسلامی بوده که بنیاد کشورداری نیز است. این بینش، زیربنای همه برنامه‌های کاربردی در اسلام بوده که نیک‌بختی در هر دو جهان را به ارمغان می‌آورد (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۹۱). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) جستار «یکتاپرستی» را در چهار بخش بنیادین آورده است:

۱- رد پای یکتاپرستی در دین اسلام: انسان‌ها با گرایش به خدای یگانه، به سعادت می‌رسند. این نگرش خدایی در برابر زندگی آدمیان، یکسان‌انگار نبوده و خود را پاسخگو می‌داند. ایشان می‌گویند: جامعه بر پایه یکتاپرستی بناشده و با پیروی از آن، به سوی خوشبختی گام برمی‌دارد.

۲- فرمان‌برداری از خدا: یکتاپرستی جدا از اینکه یک بینش فلسفی بوده، یک اندیشه زندگی‌ساز نیز به شمار می‌آید. زندگی گروهی و فردی انسان‌ها بر پایه این اندیشه بناشده و آن را نظام‌مند می‌کند. بر اساس این اندیشه انسان‌ها تنها باید خدا را پرستش کنند. قرآن بر این نکته پافشاری کرده که خدایان ساختگی چه در زیر پرچم نیروهای مذهبی و چه در لباس نیروهای سیاسی و اقتصادی، شایسته پرستش نبوده و تنها پرستش و فرمان‌برداری از انسان‌های برگزیده خدا همچون پیامبر و پیشوایان دینی پسندیده است.

۳- یگانه‌پرستی و نپذیرفتن گروه‌های اجتماعی: خدایانی که گروه‌های گوناگون را آفریده و درباره آن‌ها چاره‌اندیشی کرده، هر گروه را با برتری‌های ویژه پدید آورده است. در برخی موارد نیز خدای یگانه، گروهی از بشر را با ویژگی‌هایی نیکو آفریده و آن‌ها را در برابر دیگر گروه‌ها برتری داده است. پاداش خدادادی گروه‌های سرآمد و همچنین کم‌وکاستی‌های گروه‌های زیرین، همگی بهنجار می‌باشد.

۴- کارایی روانی یکتاپرستی: باور به یگانگی خداوند، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را به شیوه‌ای سودمند دگرگون می‌کند. ایشان بیان داشته که فرد یکتاپرست دارای ویژگی‌هایی همچون امید بی‌پایان، کوشش خستگی‌ناپذیر، جهت‌گیری درست و... است. (خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۵۶: ۳۵). نظام خداوند به منظور نظام آفرینش و به‌ویژه زندگی فردی و گروهی آدمیان برنامه‌ریزی کرده و فرمانروایی سزاوار اوست. همه انسان‌ها از توانمندی‌های یکسان برخوردار بوده و در این زمینه،



تنها پشتکار می‌تواند آن‌ها را به رشد برساند. آدمیان تنها با پیروی از دستورهای خداوند به خوشبختی می‌رسند.

### ب: انسان‌شناسی

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) انسان را در برابر خداوند قرار نداده و او را بهترین آفرینش خدا می‌داند انسان آفریده‌ای ارزشمند بوده و سراسر گیتی فرمان‌بردار او می‌باشند. او از توانایی‌های نیکو برخوردار بوده و می‌تواند از فرشته بالاتر باشد. ایشان معتقدند که نیروهایی بی‌شمار، سرشت انسان را سازمان‌دهی می‌کند. این نیروها تمام‌کننده یکدیگر هستند. برخی از این نیروها مانند اندیشه‌ها و جهان‌بینی، زیربنایی بوده و سرشت او را پی‌ریزی می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌گویند: سرشت انسان نیکو است. در نهاد او هیچ نکته‌ای پیچیده و بد وجود نداشته ولی پیروی کردن از خواهش‌های نفسانی، او را در گرداب لغزش‌ها گرفتار می‌کند. مجموعه‌ای از ویژگی‌های نیک در نهاد انسان وجود داشته که او را به‌سوی نیکویی رهنمون می‌سازد. انسان با بهره‌مندی از این ویژگی‌ها، راه خوشبختی را به‌درستی شناخته و در آن گام می‌نهد. نیروهایی همانند کوتاه‌نظری و خودخواهی در داخل وجود انسان و نیروهایی مانند پرورش نادرست و گمراهی‌ها که در خارج از وجود انسان بوده و او را به‌سوی نابودی می‌کشاند. از دیدگاه ایشان، سرشت پاک انسان دستخوش کج‌روی و ستمگری شده و برای زدودن این ناپاکی‌ها، به آموزش و راهنمایی پیامبران نیاز دارد.

انسان‌محوری در بینش اسلامی با اومانیزم اروپایی تنها در نام با یکدیگر همانندی داشته ولی بنیادهای آن‌ها باهم ناهمسان است. از دیدگاه اسلام، نظام آفرینش پیرامون وجود انسان بوده و سراسر گیتی و باشندگان، فرمان‌بردار او می‌باشند. آفرینش انسان به‌گونه‌ای بوده که می‌تواند از جهان هستی و دیگر آفریده‌های خداوند به بهترین شیوه بهره‌برداری کند. قرآن کریم در این باره می‌گوید: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، تمام را مسخر و فرمان‌بردار شما گردانید و این‌ها همه از سوی اوست. در این کار نیز برای مردم با اندیشه و خردمند، آیه‌هایی (از نیرو الهی) کاملاً پدیدار است.» بر اساس این آیه می‌توان فهمید که نظام آفرینش به شیوه‌ای سامانمند ساخته شده و همه آن‌ها مرتبط با انسان است. انسان از نظام آفرینش برای تأمین نیازهای خود سود برده و این بهره‌برداری روز به روز گسترده‌تر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۶).

اندیشه سیاسی اسلام، انسان‌هایی را موردپذیرش قرار داده که به خدا باور دارند؛ بنابراین

کسانی که در کشورهای خدامحور زندگی کرده، رفتارشان نیز با دیگر کشورها ناهمسان است. آن‌ها خود را در برابر خدا پاسخگو دانسته و کارهایی را انجام داده که خوشایند و موردپسند او باشد. جامعه‌ای که خدا را سرلوحه کارهای خود قرار داده، راه فرهیختگی را به‌آسانی می‌پیماید (خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۵۶: ۳۸). انسان شگفت‌انگیزترین آفریده خداوند به شمار آمده و در برابر دیگر آفریده‌های او برتری دارد. انسان به‌اندازه‌ای نزد خدا ارزشمند بوده که خداوند او را جانشین خود بر روی زمین قرار داده و همچنین او توانسته مهر و بخشندگی آفریدگار خود را در سرتاسر گیتی بگستراند. همچنین آدمیان در گزینش راه پیشرفت و خوشبختی یا راه نافرمانی و سیه‌روزی آزاد می‌باشند. انسان برای رسیدن به خوشبختی، از همه ابزارهای موجود در نظام آفرینش بهره می‌گیرد. انسان آفریده برتر پروردگار بوده و از سوی او برگزیده شده است. آدمی دارای دو سویه گیتایی و مینوی بوده و برای دستیابی به خوشبختی باید از هر دوی آنها بهره‌مند شود.

انسان از نیروی اندیشه و خرد برخوردار بوده و با بهره‌مندی از آن می‌تواند بهترین سرنوشت را برای خود رقم بزند. انسان افزون بر به‌کارگیری از نیروی خرد، باید از راهنمایی پیشوایان دینی بهره گرفته تا دچار گمراهی نشود. این نکته را باید یادآور شد که دگرگونی هر پدیده‌ای در جهان، به دست انسان انجام می‌پذیرد. انسان برای سروسامان دادن به جایگاه جامعه و کشور، باید این دگرگونی را از خود آغاز کند. آدمی با دگرگونی درونی، اخلاقی و گردن نهادن به خواست خدا، به‌سوی خوشبختی رهسپار می‌شود.

### ج: فرجام شناسی

آینده جهان، از آن دسته جستارهایی بوده که در آیین‌های آسمانی موردبررسی قرار گرفته است. آیین‌های یزدانی، از آنجا که نظام هستی را آفریده پروردگار خردمند و توانمند دانسته، سرپرستی جهان را از آن او می‌دانند. آن‌ها بر پایه این اندیشه، آینده جهان را از آن پارسایان می‌دانند. دین اسلام در جایگاه واپسین دین آسمانی، آینده آدمیان را نیکو دانسته و در این راستا، اندیشه مهدویت را به مردم شناسانده است. از دیدگاه اسلام، فرمانروایی در روی زمین و خوشبختی در سرای جاویدان از آن پرهیزکاران بوده و فراگیری دادگری، برابری و... از ویژگی‌های فرمانروایی نیک‌خواه به شمار می‌رود (الهی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸۱).

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره می‌فرماید: از دیدگاه اسلام، چرخه روزگار به‌سوی فرمانروایی راستین گام برداشته و این روند بی‌چون‌وچرا رخ می‌دهد. انسان با پیروی از پیامبران و

پیشوایان دینی، در راه درست گام نهاده و در این هنگام، می‌تواند همه توانمندی‌های خود را هویدا سازد. آدمیان تنها در زمان حضرت مهدی (ع)، به‌سوی این راه نیکو رهنمون می‌شوند. در این هنگامه، خوبی‌ها بر ویرانی‌ها و همچنین نیروهای نیکو بر نیروهای اهریمنی چیره خواهد شد. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، بنیادهای فرجام‌شناسی را در شش مورد بیان کرده است:

۱- سازوکارهایی همچون پذیرش اسلام، بینش یکتاپرستی، همسو شدن با آیین خدا، پیروی از آموزه‌های اسلامی و پیامبران، پشتکار و... در دستیابی انسان به خوشبختی کارساز است.

۲- دومین بنیاد اعتقادی، پایان دنیا است. یکی از نکته‌های بنیادین در جهان‌بینی اسلامی که پس از بنیاد یکتاپرستی مورد سفارش قرار گرفته، جستار پابرجایی زندگی پس از مرگ است. بر پایه آموزه‌های اسلامی، زندگی انسان با مرگ پایان پذیرفته و این یکی از ارزشمندترین باورهای آدمی به شمار می‌رود.

۳- بر پایه آموزه‌های اسلام، انسان‌ها با پیروی از آموزه‌های پیامبران، به کامیابی دست پیدا خواهند کرد. از دیدگاه پیامبران، دنیا به کشتزاری برای رستخیز همانند شده است؛ بنابراین، آدمیان با پیروی از پیامبران، گام در راهی گذاشته که خوشبختی آنان را در پی دارد.

۴- زندگی راستین، پس از مرگ آغاز شده و در سرای جاویدان، هیچ‌گونه وابستگی‌های گیتیایی وجود ندارد. در رستخیز، برخی انسان‌ها آزاد و برخی دیگر گرفتار بوده و این هم به کردارهای دنیایی آن‌ها بستگی دارد. انسان‌هایی که در دنیا، رفتار نیک داشته، خوشنود می‌باشند و انسان‌هایی که در دنیا، کردار ناپسند انجام داده، در این دنیای جاوید گرفتار می‌باشند.

۵- همه‌چیز در دنیا، سرآغازی برای سرای جاویدان به شمار می‌آید. از دیدگاه پیامبران، دنیای زودگذر پیش درآمدی برای زندگی دیرپا در سرای جاویدان است. این زندگی جاوید، بی‌درنگ پس از مرگ آغاز می‌شود. ما هر آنچه در دنیای ناپایدار کاشته، در آن دنیای سرمدی برداشت خواهیم کردیم.

۶- همه فراوانی‌هایی که در دنیا وجود داشته، به‌سوی سرانجام یکتا رهنمون می‌شوند. از دیدگاه بینش اسلامی، انسان و دیگر باشندگان به‌سوی آفریدگار دانا و توانا رهسپار می‌شوند. هر چیز در نظام هستی با آنکه گوناگون بوده، به‌سوی یک خاستگاه (خدا) در حرکت است. انسان، هنگامی به خوشبختی رسیده که این خاستگاه را بشناسد و خود را با آن هماهنگ کند؛ همان‌گونه که نشناختن این خاستگاه، به زیان انسان بوده و او را نگون‌بخت خواهد کرد (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

برابر آنچه گفته شد، نظام هستی و انسان‌ها به‌سوی فرمانروایی راستین در حرکت‌اند. بر پایه این بینش، انسان هنگامی به خوشبختی خواهد رسید که از آموزه‌های دینی پیروی کند و در این راه، از رهنمودهای پیامبران و پیشوایان دینی بهره ببرد. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) همچون دیگر اندیشمندان، نگاهی یکتاپرستانه به نظام هستی داشته و انسان در کانون اندیشه‌های سیاسی ایشان قرار دارد.

### پیوند و جدایی دین و سیاست

به باور آیت‌الله خامنه‌ای، دین تنها برای ساماندهی زندگی شخصی افراد نبوده بلکه کاربردی فراتر دارد. از این سخن چنین برداشت شده که دین از سیاست جدا نبوده و از سوی خدا برای سرپرستی و راهنمایی بشر آمده است. این جستار، در پیوند با امروزه نبوده بلکه ریشه در گذشته دارد. البته باید این نکته را یادآوری کرد: سیاست‌هایی که در جامعه اسلامی پی‌ریزی شده، باید در راستای آموزه‌های دینی باشد. به دیگر سخن، جامعه‌ای که همسو با آموزه‌های دینی و اسلامی نبوده، به پیشرفت نمی‌رسد.

هنگامی که پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) را به امامت مسلمانان برگزید، تنها به دنبال جانشین نبود. بلکه پرداختن به امر سیاست و فرمانروایی را مدنظر داشت. کسانی که باور به شخصی بودن دین اسلام داشته، به‌راستی نگاهی سکولار به دین اسلام دارند. برای پاسخ بدین افراد، تنها باید مسئله غدیر را بیان کرد. در جریان جانشینی امام علی (ع)، تنها سویه‌های مینوی مطرح نبوده بلکه جستارهایی همچون فرمانروایی و سرپرستی جامعه اسلامی مدنظر بوده است. روز غدیر، به‌راستی در راستای رسالت‌های خدا در درازنای تاریخ بوده که به پیامبر (ص) رسیده است.

از آنچه تاکنون گفته شد، دریافتیم که دین و سیاست پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر دارد. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این زمینه به سیاست دینی باورمند بوده و در این راستا، سیاست را بخشی از نهاد دین می‌داند. اسلام دربرگیرنده مجموعه مسائل زندگی بوده که سیاست و فرمانروایی هم جزئی از آن به شمار می‌آید. اسلام از همان روز نخست که به وجود آمده، با پیکار به‌سوی برپایی فرمانروایی و نظام سیاسی حرکت کرده است. نهاد سیاست برای پیشبرد آرمان‌های والای انسانی باید از آموزه‌های دینی پیروی کند. سیاست با پیروی از آموزه‌های دینی توانسته در گذرگاه درست گام نهاده و کاستی‌های خود را بزداید.

دین‌مدار، خرد را تراز قرار داده و خود را از نظام اسلامی جدا نمی‌گیرد. گوشه‌گیری و رویگردانی در برابر جستارهای سیاسی کشور، سرفرازی نداشته و مانگه رسوایی به شمار می‌آید.

دانشمند دینی باید به نظام اسلامی دل‌بستگی داشته باشد. هر نظام‌ای به‌ویژه نظام اسلامی به دور از کمبود نبوده و به همان‌سان نیز دارای نکات سودمند و نیکو است. دین‌شناس باید این نکات سودمند و خوب را دیده و درصدد زدايش کمبودها باشد. نظام جمهوری اسلامی بر پایه ارزش‌های دینی پی‌ریزی شده و دین‌شناسان در برابر آن نباید یکسان انگار باشند. آن‌ها نباید در برابر دشمنان کوتاهی کنند. زیرا دشمنان برای آسیب رساندن به نظام جمهوری اسلامی، از هر ابزاری بهره می‌برند (خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۵۶: ۳۸).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، گرایش‌های سکولاریستی هیچ‌گونه همسویی با اسلام پاک نداشته و با آن ناسازگار است. ایشان، انگیزه‌های جدایی دین از سیاست را در چند مورد بیان کرده است:

۱- شناخت نادرست از اسلام: ایشان، سیاست را زیرمجموعه حکمت عملی می‌دانند و با نگاهی درون دینی، گاهی آن را در اندازه پرستش مطرح کرده و گاهی پاسداری و گسترش دین را وابسته به سیاست می‌دانند. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، سیاست را به دو گونه اسلام پاک محمدی و اسلام آمریکایی بخش‌بندی کرده و اسلام ناب محمدی را دین سیاست و زندگی می‌دانند. ایشان در زمینه برداشت‌های نادرست از دین می‌فرمایند: آن‌ها که دین را تباه‌کننده دانسته، دین را به‌درستی نشناخته و برداشتی پوچ از آن دارند.

۲- پاسداری از دین: برخی از مسلمانان ساده‌اندیش، دشمنان را یاری کرده و از ورود نهاد دین به گستره سیاست جلوگیری می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌گویند: برخی افراد بر این باور بوده که آمیختگی قدرت و دین، به هر دو نهاد آسیب می‌رساند. این اندیشه نادرست بوده زیرا دین با همسو شدن با قدرت، گسترش پیدا خواهد کرد. به باور ایشان، دین توانسته در همه گستره‌های زندگی ورود پیدا کند.

۳- رواج دادن اسلام آمریکایی: آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرمایند: اسلام آمریکایی به دنبال دوری مردم از سیاست بوده و آن‌ها را به یکسان‌انگاری در مورد جستارهای سیاسی فرامی‌خواند. در برابر اسلام آمریکایی، اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین دانسته که هیچ‌گونه جدایی میان آن‌ها نیست. آن، مردم را به تکاپو و بررسی در مورد جستارهای سیاسی فرامی‌خواند.

۴- ستیز با جنبش‌های اسلامی: بسیاری از مردم به دنبال برپایی آزادی و دادگری در دنیا بوده و جنبش‌های بیداری اسلامی را برای بازگشت به اسلام و ارزش‌های اسلامی مطرح کرده‌اند. این

جنبش‌ها بر این باور بوده که اسلام می‌تواند پیام آزادی و رستگاری را به همراه داشته باشد. دشمنان اسلام نیز تلاش کرده که این سیاسی بودن اسلام را بصورت یک بُعد منفی نشان دهند. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، سرکوب کردن انگیزه‌های آشتی‌خواهی و تباه کردن بستر خیزش و جنبش‌های اسلامی را یکی از انگیزه‌های گسترش سکولاریسم می‌دانند.

۵- کینه‌توزی دشمنان اسلام: در خیلی از موارد، دشمنان اسلام برای تلافی، انگاره جدایی دین و سیاست را مطرح کرده‌اند. آن‌ها خواستار دوری دین از گستره زندگی انسان‌ها بوده و اینکه خود، سرپرستی امور دنیای مردم را به دست بگیرند. با این نیرنگ، بر سرنوشت انسان‌ها چیره شده و به‌گونه‌ای، از مردم دنیا بهره‌کشی می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) انگاره جدایی دین از سیاست را گونه‌ای از زد و بندهای از پیش برنامه‌ریزی شده دانسته و خواهان گوشه‌نشینی اسلام و قرآن می‌باشند. ایشان بر این باور بوده که پیروزی انقلاب اسلامی و نظام سیاسی در ایران، به رویارویی با این انگاره پرداخت. آن‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از کینه‌توزی خود دست برداشته و به نهاد عدم جدایی دین از سیاست تاختند (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

از دید جهان‌بینی اسلامی، دین هرگز نتوانسته نسبت به زندگی سیاسی یکسان انگار باشد. به باور آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، سیاستی آلوده بوده که از نهاد دین جدا باشد. سیاست دینی به اندازه پرستش دینی، پاک است.

### مردم‌سالاری دینی

فرمانروایی ملت در مردم‌سالاری دینی همچون لیبرال - دموکراسی، از فرمانروایی قانون پیروی کرده ولی هر دو نظام در ساختار با یکدیگر ناهمگون می‌باشد. در ساختار دموکراسی با سکولاریسم همگام بوده، ولی در مردم‌سالاری دینی، فرمانروایی ملت در راستای فرمانروایی اسلام و شریعت قرار دارد. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بر این باور بوده که الگوگیری مردم‌سالاری دینی از دموکراسی غربی، برداشتی نادرست است. زیرا مردم‌سالاری دینی در سرشت نظام اسلامی نهادینه شده است. هر دو نهاد دین و مردم‌سالاری، تمام‌کننده یکدیگر بوده و هر یک بدون دیگری، ارزشی ندارد. ایشان، فرمانروایی را از آن خدا دانسته و مردم نیز باید در پرتو آموزه‌های دینی، گونه فرمانروایی خود را گزینش کنند. در مردم‌سالاری دینی، مردم به شیوه‌ای آزاده تصمیم‌گیری کرده و سرنوشت کشور را در دست می‌گیرند ولی خواسته آن‌ها در سایه راهنمایی خدا به‌سوی رستگاری

رهنمون می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بر این باور بوده که هیچ‌گونه کمبودی در قوانین خدا وجود ندارد.

در سیاست اسلامی، تنها فراهم آوردن نیازهای گیتایی مطرح نبوده بلکه این رویکرد به دنبال راهنمایی مردم بر پایه آموزه‌های دینی است. فرمانروایی اسلامی در پی آن بوده که مردم را از گرایش‌های نفسانی دور کرده و به سوی روشنائی مینوی رهنمون سازد. مردم‌سالاری دینی همچون نظام آرمان‌ها شناخته شده و رفتار سیاسی حضرت علی (ع) را در این راستا قرار می‌دهند و نظام ولایت‌فقیه در زمان غیبت را نماد این مردم‌سالاری دینی می‌دانند (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۳۳۸).

در مردم‌سالاری دینی، همه مردم در ساختار نظام اسلامی نقش داشته و با خواست خود، کارگزاران را گزینش می‌کنند. یکی دیگر از ارزشمندترین ویژگی‌های نظام مردم‌سالاری دینی، ارج نهادن به انسان بوده و حرکت همگانی مردم، در چارچوب دین خدا است. جستار همکاری مردم در همه‌پرسی‌ها و نقش کارآمد آن‌ها در ساختار نظام جمهوری اسلامی نیز بسیار ارزشمند بوده زیرا که همکاری و حضور یکپارچه مردم، همگام با معیارهای اسلامی به پیش می‌رود. به عبارت دیگر، پیوندی ناگسستنی میان فرمانروایی خدا و فرمانروایی مردم برقرار بوده و همچنین میان خدایی بودن و مردمی بودن هیچ‌گونه ناسازگاری وجود ندارد. انقلاب اسلامی دارای ارزش‌هایی همچون دادگری اجتماعی بوده و مردم در چارچوب قوانین اسلامی، از آزادی عمل برخوردار می‌باشند. بر پایه سخنان یادشده، درمی‌یابیم که نظام مردم‌سالاری دینی با دیگر نظام‌های سیاسی ناسازگار بوده و نظام‌ای برجسته به شمار می‌آید.

فرمانروایی دینی، از سویی دربرگیرنده قوانین شریعت بوده و از سوی دیگر، آرمان‌های دین، ارج نهادن به انسان، اخلاق و ارزش‌های مینوی را در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و... مورد توجه قرار داده است. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بر این باور بوده که مردم‌سالاری دینی بر پایه پیمان همگانی بنانهاده شده است و دستیابی به آرمان‌ها و ارزش‌های نیکو، تنها در پرتو برپایی قانون انجام‌پذیر است. کشور بدون دادگری به پیشرفت نرسیده که آن‌هم درگرو برپایی قانون است. در اندیشه رهبری، قانون اساسی پیمان بزرگ دینی و میهنی به شمار آمده است؛ بنابراین، مردم‌سالاری دینی بر آموزه‌های ایزدی و خواست مردم استوار گشته و بر پایه بنیادهای اعتقادی اسلام، پیوند میان مردم و فرمانروایی را موردبررسی قرار می‌دهد.

## نتیجه‌گیری

دین و سیاست نه تنها با هم برخورد و کشمکش نداشته، بلکه دین، خاستگاه و بستر ساز سیاست به شمار می‌آید. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، ما باید سیاست را بر پایه آموزه‌های دینی و اخلاقی بنا کرده و از دین نباید برای خواسته‌های پست و فرومایه بهره ببریم. از دیدگاه ایشان، بهترین راهکار این بوده که افراد دین‌مدار و با معنویت، جامعه را سرپرستی کنند. افرادی که دارای فکر دینی بوده و از لغزش و نادرستی به دور باشند آن‌ها از نگرگاه سیاسی نیز باید انسان‌های کاردان، هوشیار بوده و سیاست را از مسائل فرا گیتیایی و اخلاق جدا نکنند. انگاره مردم‌سالاری دینی نیز در راستای سیاست دینی به وجود آمده و در چارچوب نظام سیاسی اسلام بیان شده است. در این نگره، فرمانروایی از آن خداوند بوده و با اندیشه‌ها و باورهای مردم گره خورده است. در مردم‌سالاری دینی، پاسداری و پیشرفت ارزش‌های اخلاقی و انسانی جامعه، از آرمان‌های ارزشمند به شمار می‌آید. مردم‌سالاری دینی بر پایه آموزه‌های دینی بوده و از این‌رو، همیشه سرزنده و پایدار است. به باور نگارنده، سیاست با چند دشواری بنیادین روبرو بوده که در مورد آنها باید چاره‌اندیشی کرد. این چالش‌ها تا زمانی که برطرف نشود، اوضاع مردم نیز سروسامان پیدا نخواهد کرد. یکی از این چالش‌ها، گوش فراندادن به فرمایش‌ها، سخنان و رهنمودهای رهبران دینی بوده که سیاست‌گذاری‌های کشورها را به سوی بدی‌ها و ویرانی‌ها می‌کشاند. هنگامی سیاست آسیب دیده که با دو چالش روبرو شود. نخست اینکه، سیاست از معنویت، فضیلت و منش انسانی و اخلاقی دور شده و دوم اینکه، سیاست و فرمانروایی به دست افراد کوتاه بین، کج اندیش و ناپرهیزکار بیفتد. بدینگونه سیاست به بیراهه رفته و جامعه را به نابودی می‌کشاند؛ پس راهنمایی گرفتن از پیشوایان و کارگزاران امور دینی، از دو آسیب یاد شده جلوگیری می‌کند زیرا رهبران دینی، نیک اندیش بوده و آسایش و نیکبختی انسانها را می‌خواهند. یکی دیگر از این چالش‌ها، حق و تویی بوده که اعضای همیشگی انجمن رایزنی سازمان ملل دارا می‌باشند. این حق و تو، با بنیادهای اندیشه اسلامی ناسازگار بوده زیرا بیدادگری را برای مردم دنیا به ارمغان می‌آورد. کشورهایی چون آمریکا با داشتن حق و تو، حقوق ملت‌های دنیا را نادیده گرفته و تنها خواسته‌ها و سودهای شخصی خود را دنبال می‌کنند. این حق و تو با حقوق بشر راستین هم همخوانی و سازگاری نداشته و بیشتر، حقوق مردم دنیا را پایمال می‌کند. حق و تویی که آزادی و کرامت انسانی را نادیده بگیرد، هیچگونه ارزشی نداشته و تنها در راستای آرمانهای شماری اندک از



افراد گام برمی دارد و به گفته‌ای، حقوق بشر فعلی با دارا بودن حق و تو برای برخی کشورهای سودجو، شعاری بیش نبوده و از نگاه آیینهای آسمانی به ویژه اسلام، جایگاه و ارزشی ندارد. برای برپایی حقوق بشر راستین و بخردانه، باید در راستای آموزه‌های دینی گام نهاده و از رهنمودهای آن بهره ببرد. آموزه‌های دینی همواره سودهای همه افراد بشر را در نگر آورده و از سودهای زودگذر و شخصی، خودداری کرده است. از دیگر چالشهایی که دنیا با آن روبرو بوده، اینکه مردم دنیا بر پایه آیین آسمانی خود، نهاد و انجمنی برای دادرسی حقوق خود در سازمان ملل ندارند. این کار باعث شده که قوانین وضع شده در راستای آرمانهای آیین‌های آسمانی نباشد و از این رو، پیروان این ادیان به حقوق راستین خود دست پیدا نخواهند کرد. قوانینی که بر پایه آموزه‌های اخلاقی و دینی نباشد، تنها توانسته منافع شخصی و گیتایی مردم را حل کند ولی قوانینی که بر پایه آموزه‌ها و ادیان آسمانی ساماندهی شده باشد، افزون بر فراهم آوردن نیازهای گیتایی، توانسته خواسته‌ها و آرمانهای مینوی را پاسخگو باشد و همچنین انسانها را به سوی فرهیختگی و فرازندی رهنمون سازد. شوربختانه، قوانین کنونی نتوانسته سودهای همه افراد بشر را تأمین کند و به دیگر سخن، تنها شماری افراد فزون خواه، از قوانین بهره می‌برند. بنابراین، هر آیینی برای دستیابی به حق خود باید یک یا چند نماینده در سازمان ملل داشته تا حقوق آنها پایمال نشود. بنابر سخنان یاد شده، اگر این سه چالش پیش رو حل شود، سیاست دینی نیز محقق خواهد شد.

## کتابنامه

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: نشر کیهان.
- الهی‌نژاد، حسین (۱۳۸۶). «آینده‌نگری و فرجام تاریخ بشر»، انتظار موعود، دوره ۷، شماره ۲۱.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۷). فلسفه دین، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ هشتم.
- حیدری، داود (۱۳۸۸). نقد رویکرد کارکردگرایانه در تعریف دین. اندیشه نوین دینی، دوره ۵، شماره ۱۷.
- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (۱۳۵۶). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و مرکز صهبا.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۶). مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین: بررسی جامعه‌شناختی مناسبات دین و دولت در ایران اسلامی، تهران: نشر تبیان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد هجدهم.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چ چهاردهم.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۷). روش پژوهش در علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- علی بابایی، غلامرضا و آقای، بهمن (۱۳۶۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات ویس.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۷). فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ششم.
- موسوی نسب کرمانی، سید محمدرضا (۱۳۸۴). «آشنایی با روش تحلیل محتوا»، دو فصلنامه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، دوره ۲، شماره ۱.
- هیک، جان (۱۳۷۲). فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.